

دوفصلنامه پژوهش در ادبیات کودک و نوجوان

سال ۲، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

- اساسنامهٔ صلح یونسکو و بازتاب آن در ادبیات داستانی کودکان ایران
- الگویابی جنسیتی در مجموعه داستان‌های فلسفی‌ها، کلاس کوچولوها، شهر آدم کوچولوها، شغل آیندهٔ من
- ایدئولوژی‌های نهفته در متن انیمیشن «کارخانهٔ هیولاها»
- بررسی تطبیقی درون‌مایه‌های اجتماعی در آثار شاعران کودک و نوجوان ایرانی و انگلیسی
- بررسی تطبیقی عناصر داستان در داستان‌های کودک برگزیده «احمد اکبر پور» و «مهیند الماقوس»
- بررسی سبک زندگی ایرانی در شش رمان نوجوان
- بررسی مقایسه‌ای کنش‌های گفتاری کودکان و بزرگسالان در «باشو غریبه کوچک» براساس نظریهٔ سرل
- برهنگش تصویر و متن در کتاب تصویری «هفت خوان هفت رزم» براساس نظریهٔ متن-تصویر پری لودلمن
- پرسش‌ها و ارتباط آن با مفهوم پدیدارشناسی در داستان «لالایی برای دختر مرده» نوشته حمیدرضا شاه‌آبادی
- تحلیل شخصیت در داستان کودکان «الفندیل الصغیر»
- غنای کنش‌های براساس الگوی کنش‌های گفتاری جان سرل
- تحلیل و تبیین ظرفیت افسانهٔ پوشت فریان در قالب فیلم‌نامه داستانی به‌منظور ارائه به جامعه کودک و نوجوان
- روایت رئالیستی در اتوبیوگرافی-رمان «شما که غریبه نیستید»
- گونه‌شناسی نوشتارهای ادبی نشریات کودکان و نوجوانان (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰)
- نقد و تحلیل رمان نوجوان «دروازهٔ مردگان» از منظر گوتیک

بررسی تطبیقی درون‌مایه‌های اجتماعی در آثار شاعران کودک و نوجوان ایرانی و انگلیسی

شایسته ابراهیمی^۱

۱. دکتری زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه، ویراستار و پژوهشگر ادبیات کودک و نوجوان

چکیده

امروزه ادبیات کودک و نوجوان با توجه به مفهوم کودکی در مطالعات علوم انسانی جایگاهی ویژه یافته است. شعر کودک نیز یکی از شاخه‌های این‌گونه از ادبیات است. موضوع این مقاله بررسی تطبیقی درون‌مایه‌های اجتماعی در آثار شاعران کودک و نوجوان ایرانی و انگلیسی است. پس از درون‌مایه‌های طبیعت‌گرایانه درون‌مایه‌های اجتماعی بیشترین بسامد را در بین آثار هر دو گروه از شاعران دارند و از طرفی بیشترین تفاوت را که جای تأمل گسترده‌تری را فراهم می‌کند. جامعه آماری ما در این پژوهش مجموعه‌هایی هستند که در بازه زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۰ شمسی مطابق با ۱۹۲۱ تا ۲۰۱۱ میلادی منتشر شده‌اند، اما به‌منظور دستیابی به روشی کاربردی از میان شاعران دو کشور به شاخص‌ها پرداخته‌ایم و از میان آثار آنان نیز مجموعه شعرهایی را برگزیده‌ایم که در این سال‌ها جوایز متعدد شعر را کسب کرده‌اند. از آنجایی که ادبیات کودک در قرن هجدهم در انگلستان متولد شد و امروزه نیز انگلستان در زمینه ادبیات کودک پیشرو است، در این مقاله شعر کودک و نوجوان انگلستان برای مقایسه و تطبیق با شعر کودک و نوجوان ایران انتخاب شده است. این پژوهش دو بخش دارد: بخش نظری که بر آراء نظریه‌پردازان مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی تکیه دارد و بخش کاربردی که شامل تحلیل اشعار و ذکر شواهد است. از آنجایی که در مکتب آمریکایی صرف وجود شباهت می‌تواند زمینه یک پژوهش تطبیقی باشد و همچنین ادبیات تطبیقی آمریکایی نوعی مطالعات فرهنگی است، هدف اصلی این پژوهش نیز شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌ها و دستیابی به چشم‌اندازی از شعر کودک و نوجوان، به‌خصوص با درون‌مایه‌های اجتماعی، در دو کشور ایران و انگلستان است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات کودک و نوجوان، شعر کودک و نوجوان ایران، شعر کودک و نوجوان انگلستان، درون‌مایه‌های اجتماعی، مکتب آمریکایی، ادبیات تطبیقی.

مقدمه

از نیمه دوم قرن هجدهم میلادی با رونق یافتن اندیشه‌های متفکرانی نظیر جان لاک^۱ و ژان‌ژاک روسو^۲ دوران کودکی اعتبار و ارزش یافت. جان نیوبری^۳، که از طرفداران نظریه لاک بود، در حدود ۱۷۴۰ میلادی در لندن فروشگاه‌های گشود و شروع کرد به نشر و فروش کتاب‌های کوچک جیبی مخصوص کودکان؛ بنابراین می‌توان گفت ادبیات مدرن کودکان در اواسط قرن هجدهم در انگلستان متولد شد، اما ادبیات مستقل کودکان در ایران تقریباً صد و پنجاه سال بعد از غرب شکل گرفت؛ به‌طور دقیق‌تر اولین کتاب‌های ویژه

1. John Locke (1632-1704)

2. Jean-Jacques Rousseau (1712-1778)

3. John Newbery (1713-1767)

کودکان در حدود سال ۱۳۰۰ شمسی به همت جبار باغچه‌بان چاپ شد.

هدف از انجام این پژوهش مقایسه و تطبیق درون‌مایه‌های اجتماعی در شعرهای کودک و نوجوان فارسی با شعرهای کودک و نوجوان انگلیسی است تا آشکار شود، شعر کودک و نوجوان ایران با شعر کودک و نوجوان انگلستان که در زمینه ادبیات کودک پیشرو است، چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد و فاصله این دو گروه چقدر است تا در نهایت بتوانیم به آسیب‌شناسی شعر کودک و نوجوان در ایران بپردازیم و کاستی‌ها و نقاط قوت را آشکار کنیم و راهکارهایی ارائه دهیم که برای شاعران کودک و نوجوان و نیز منتقدان و پژوهشگران این حوزه راه‌گشا و گره‌گشا باشد. علت انتخاب درون‌مایه‌های اجتماعی از این رو است که پس از درون‌مایه‌های طبیعت‌گرایانه درون‌مایه‌های اجتماعی بیشترین بسامد را در بین آثار هر دو گروه شاعران دارند و از طرفی بیشترین تفاوت را که جای تأمل گسترده‌تری را فراهم می‌کند.

جامعه آماری ما در این پژوهش مجموعه‌هایی هستند که در بازه زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۰ شمسی مطابق با ۱۹۲۱ تا ۲۰۱۱ میلادی منتشر شده‌اند، اما به‌منظور دستیابی به روشی آکادمیک و کاربردی مقرر کردیم که از میان شاعران دو کشور به شاخص‌ها بپردازیم و نیز از میان آثار این شاعران مجموعه شعرهایی را برگزیدیم که در این سال‌ها جوایز متعدد شعر را کسب کرده بودند. این جایزه‌ها در ایران عبارتند از جایزه شعر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، جایزه شعر شورای کتاب کودک، جایزه کتاب سال، جایزه کتاب فصل و جایزه شعر پوپک. در انگلستان برخلاف ایران تعدد جوایز وجود ندارد؛ در این کشور دو جایزه معروف شعر کودک فعال هستند، به نام‌های سیگنال^۱ و سی آل بی بی^۲؛ در این پژوهش در مجموع ۲۵۲۸ شعر بررسی شده‌اند که ۱۴۱۱ شعر از شاعران ایرانی و ۱۱۱۷ شعر از شاعران انگلیسی بودند. از میان آثار بررسی شده از شاعران انگلیسی فقط یک مجموعه که ۱۳ شعر را شامل می‌شود، به فارسی ترجمه شده است، بنابراین برای بررسی ۱۱۰۴ شعر باقی‌مانده به اصل کتاب‌ها مراجعه شده و تمام نمونه اشعار ذکر شده از شاعران انگلیسی در متن این مقاله ترجمه نگارنده است.

چارچوب نظری

ادبیات تطبیقی نوعی پژوهش میان‌رشته‌ای است که به مطالعه رابطه ادبیات ملت‌های مختلف با هم و بررسی رابطه ادبیات با علوم انسانی و هنرها می‌پردازد. ادبیات تطبیقی دو مکتب بنیادین دارد: مکتب فرانسوی و مکتب آمریکایی.

مکتب فرانسوی

برخی فرانسه را زادگاه ادبیات تطبیقی می‌دانند. مهم‌ترین ویژگی مکتب فرانسه تاریخ‌گرایی است. رابطه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری نیز از اصول این مکتب است. رویکرد تاریخی و توجه به تأثیر و تأثر به نوعی تلاشی است برای نشان دادن برتری و اصالت یک فرهنگ و ادبیات بر فرهنگی دیگر. درواقع مکتب فرانسوی در پی یافتن سرچشمه‌های مضامین و نشانه‌های مشترک و مبدأ و مقصد آن‌ها و نحوه انتقالشان از فرهنگ و سرزمینی به فرهنگی دیگر است. «از دیدگاه مکتب فرانسوی اثبات روابط تاریخی بین آثار ادبی که به زبان‌های مختلف نگاشته شده‌اند، شرط مسلم و قطعی ورود به عرصه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی است. بدین‌سان روشن می‌شود که در این حوزه تطبیق صرفاً وسیله یا روشی است برای رسیدن به هدف که همانا تبیین تعاملات و مبادلات ادبی بین ملت‌های مختلف است.» (انوشیروانی، ۱۳۸۹: ۱۳)

مکتب آمریکایی

«مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی پس از جنگ جهانی دوم با سخنرانی رنه ولک^۳ در دومین کنگره بین‌المللی ادبیات تطبیقی،

1. The Signal poetry award
2. CLPE poetry award
3. René Wellek (1903-1995)

که در سال ۱۹۵۸ در دانشگاه کارولینای شمالی برگزار گردید، با به عرصه پژوهش‌های ادبی نهاد. این مکتب علاوه بر مطالعه ارتباطات ادبی بین فرهنگ‌های مختلف ادبیات تطبیقی را در ارتباط تنگاتنگ با سایر رشته‌های علوم انسانی و هنرهای زیبا مانند تاریخ، فلسفه، ادیان، زبان‌شناسی، روان‌شناسی، پیکرتراشی، جامعه‌شناسی، نقاشی، سینما، موسیقی و سایر هنرها می‌بیند. (همان)

از منظر رویکرد آمریکایی صرف وجود شباهت بدون توجه به پدیده‌های تاریخی و سیاسی می‌تواند زمینه یک پژوهش تطبیقی باشد. «در این مکتب، برخلاف مکتب فرانسو، به روابط میان ادبیات مختلف بر مبنای اصل تأثیر و تأثر توجهی نمی‌شود. آنچه در این مکتب اصالت دارد، اصل تشابه و همانندی است. ادبیات تطبیقی آمریکایی نوعی مطالعات فرهنگی است و علاوه بر آن بیشتر به نقد ادبی نزدیک‌تر است تا بررسی تاریخی پدیده‌های ادبی.» (سیدی، ۱۳۹۰: ۱۵ و ۱۶)

همچنین در این مکتب به ویژگی‌های ادبی و ادبیت یک اثر توجه می‌شود؛ یعنی تمام ویژگی‌هایی که در یک اثر ادبی شناخته می‌شوند و زمینه را برای پژوهشی ادبی فراهم می‌کنند. «بررسی مضمون (تم)، مایه غالب (موتیف) و تیپ (نوع شخصیتی) حوزه دیگری را در پژوهش‌های ادبیات تطبیقی تشکیل می‌دهد. لذا مضامین یا مایه‌های غالبی همچون فلسفه زندگی، تولد، مرگ، حقیقت‌طلبی، جست‌وجو و طلب خوشبختی و سعادت، عدالت، زیبایی، عشق و محبت و طبیعت و ... را می‌توان با استفاده از روش تطبیقی در آثار ادبی ملل مختلف مورد مطالعه قرار داد.» (انوشیروانی، ۱۳۸۹: ۲۶)

در این مقاله نیز با این رویکرد درون‌مایه‌های اجتماعی در آثار شاعران کودک و نوجوان ایران و انگلستان مقایسه شده‌اند؛ تمرکز ویژه بر خود آثار ادبی بوده است، بدون در نظر گرفتن تأثیر و تأثر. این مقاله سعی دارد به دیدگاه‌های مشترک و متفاوت این دو گروه بپردازد که در اشعارشان انعکاس یافته است تا در نهایت به چشم‌اندازی از شعر کودک با درون‌مایه اجتماعی در این دو فرهنگ دست یابیم؛ همان‌طور که «یکی از اهداف مکتب آمریکایی رسیدن به حقایق انسانی بر پایه معماری ادبی متجلی در ادبیات انسان‌ها در هر زمان و مکان است.» (شرکت مقدم، ۱۳۸۸: ۶۲)

درون‌مایه‌های شعر کودک

دسته‌بندی محمود کیانوش از مضامین شعر کودک

محمود کیانوش در کتاب شعر کودک در ایران فصلی دارد، به نام مضامین شعر کودک که در آن مضامین شعر کودک را به مضامین وصفی، مضامین تمثیلی، مضامین رفتاری، مضامین آموزشی و مضامین چندجنبه‌ای تقسیم می‌کند. تقسیم‌بندی ارائه شده از طرف محمود کیانوش کلی است و بسیاری از درون‌مایه‌ها را شامل نمی‌شود و با دقت و جزئیات نیز انجام نگرفته است؛ بنابراین برای انجام دادن این پژوهش بعد از بررسی دقیق اشعار تقسیم‌بندی دیگری را به کار بستیم که جزئی‌تر باشد. یکی از این موارد درون‌مایه‌های اجتماعی هستند که در ادامه زیرشاخه‌های تعریف‌شده آن را بیان خواهیم کرد.

درون‌مایه‌های اجتماعی براساس تقسیم‌بندی نگارنده

شامل اشعاری می‌شوند که از روابط اجتماعی کودک و نوجوان در مدرسه و کودکستان معضلات اجتماعی نظیر فقر، اعتیاد و طلاق، نژادپرستی و ... سخن می‌گویند یا به جریان‌های سیاسی جامعه نظیر جنگ یا انقلاب‌ها توجه دارند. در این مقاله این درون‌مایه‌ها را به چند گروه تقسیم کرده‌ایم تا مقایسه و تطبیق آن‌ها نظام‌مندتر باشد. برخی از گروه‌ها فقط مختص شاعران ایرانی یا انگلیسی و بعضی بین هر دو مشترک هستند.

- روابط کودک و نوجوان با هم‌کلاسی‌ها و آموزگار در محیط مدرسه؛ میهن‌پرستی؛ ستایش سرزمین مادری؛ جشن‌های ملی؛ احترام به مشاغل مختلف؛ دعوت به اتحاد و صلح؛ انقلاب؛ جنگ؛ فقر؛ روابط دوستانه کودکان و نوجوانان؛ اعتراض به طلاق و سنت‌های کلیشه‌ای ازدواج؛ مبارزه با نژادپرستی؛ مهاجرت

تحلیل درون‌مایه‌های اجتماعی در آثار شاعران ایرانی

روابط کودک با هم‌کلاسی‌ها و آموزگار در محیط مدرسه: این گروه از اشعار به توصیف روابط اجتماعی کودک و نوجوان در کودکان و مدرسه می‌پردازد؛ برای مثال در این شعر، شاعر کودکان را توصیف می‌کند و شادی و شوری را که در آن بیاست: «دختر با پسر/پسر با دختر/هم‌رنگ و هم‌چور/هم‌سال و همسر/هم‌شکل و هم‌قد/مثل یکدیگر» (یمینی‌شریف، ۱۳۴۵: در کودکان)

برخی از شاعران نیز اصرار دارند از طریق شعرهایشان اشتیاق به یادگیری را در وجود مخاطبین خود بیدار و حضور در فضای مدرسه را برای آنان شیرین کنند؛ از جمله پروین دولت‌آبادی که مدرسه، معلم و هم‌کلاسی‌ها از موضوعات تکرار شونده در اشعارش هستند. «در کلاس درس روزها/همنشین من تویی کنار من/با نگاه آشنای آشنا/گفته‌ای که هم‌همی و یار من ...» (دولت‌آبادی، ۱۳۷۷: ۳۶۵)

تصویر معلم در این اشعار مهربان و دوست‌داشتنی و فرشته‌گونه است و حتی گاهی با مقام مادر مقایسه شده است:

«آموزگار مهربان/از مادرم داری نشان ...» (همان: ۳۹)

«همچو مادر، همه نوازش و مهر/چون پدر گرم و مهربان با ما» (همان: ۳۸)

گاهی نیز به معلم شخصیتی اسطوره‌ای و مقدس می‌بخشند:

«ای مهر تو مهر خدایی/ای آنکه در جانم نهادی/مهر و امید و روشنایی» (ابراهیمی، ۱۳۶۸: آموزگار)

اغلب شاعران از فصل پاییز که فصل مدرسه است، سخن می‌گویند و کودکان شعرشان برای آمدن فصل مدرسه خوشحال‌اند و شاعر پیوسته این خوشحالی را در شعرش توصیف می‌کند:

«فصل پاییز آمد/فصل باد و باران/فصل درس و کوشش/در کنار یاران/همه‌جا پیچیده/بوی تحصیل و کتاب/بچه‌ها در راهند/همه

با شور و شتاب/تا که آغاز کنند/درس را با شادی/در مدارس یعنی:/سنگر آزادی» (ابراهیمی، ۱۳۶۵: ۱۴)

«من خسته‌ام/من خسته‌ام/در انتظار مدرسه/شادم که می‌آید کنون/فصل بهار مدرسه» (ابراهیمی، ۱۳۷۲: ۱۰)

برخی از شاعران متأخر از این مضمون آشنایی‌زدایی کرده و برخلاف شاعران قبلی به شیوه‌ای شعارگونه از مدرسه تعریف نکرده‌اند، بلکه کوشیده‌اند واقع‌گرایانه بسرایند. از جمله ناصر کشاورز که از احساسات واقعی کودکان می‌گوید: کودک گاه شاد است و گاه از مشق و درس زیاد شکایت دارد:

«معلم کاش کمتر/به ما تکلیف می‌داد/که حتی جمعه هم نیست/دل من شاد و آزاد» (کشاورز، ۱۳۸۳: ۱۴)

میهن‌پرستی: ستایش پرچم و سرزمین ایران و توصیف زیبایی‌های طبیعی این سرزمین و سخن از ایرانی که در صلح و صفاست. در اغلب این اشعار به نام قله‌های معروف کوهستان‌های ایران نیز اشاره می‌شود، از جمله دماوند و البرز.

«آن قله دماوند/آن کوه سخت‌پیوند/مآند به یک گلایی/در زیر جام آبی» (یمینی‌شریف، ۱۳۵۰: ۱۲)

«ای ابر که می‌روی شتابان/یک‌راست برو به کوه شمران/البز تو را ز دور دیده/با شوق زیاد سر کشیده» (همان: ۱۴)

«زیبا، زیبا، ای ایران/هم کوه و جنگل داری، هم دریا/هم باغ و بوستان داری هم صحرا/هرجای تو قشنگ است/سرتاسر» (شعبانی، ۱۳۷۲: ۸)

جشن‌های ملی: ستودن جشن‌های ملی در شعر شاعران ایرانی بازتاب گسترده‌ای دارد، به‌عنوان مثال یمینی‌شریف تقریباً در هر مجموعه‌اش شعری با مضامین توصیف نوروژ، سیزده بدر، هفت‌سین، چهارشنبه‌سوری و ... دارد.

«شد عید نوروژ/عید دل‌افروز/در باغ‌ها باز/شد غنچه‌ها باز/ما بچه‌ها هم/شادیم و خرم/در خانه با ما/مامان و بابا/ساعت خوش و

شاد/هی می‌زند داد/تیک‌تیک/تیک‌تیک/تبریک تبریک» (یمینی‌شریف، ۱۳۸۷: ۶)

- «یک گل، ده گل، صدها گل/ اینجا، آنجا، هرجا گل/ دامن دامن فروردین/ می‌ریزد بر دنیا گل» (کیانوش، ۱۳۷۰: ۱۰۹)
- اغلب این شاعران جزئیات جشن‌های ملی را نیز در اشعار خود آورده‌اند، مثلاً هنگام توصیف بهار و جشن نوروز از عناصر مربوط به آن، مثل حاجی فیروز، سخن گفته‌اند:
- «هم‌شهری من سلام‌علیکم/ برخاست صدای حاجی فیروز/ با روی سیاه و جامهٔ سرخ/ شد پیک بهار و بانگ نوروز» (همان: ۱۰۴)
- احترام به مشاغل مختلف:** این اشعار از مشاغلی سخن می‌گویند که در اجتماع و محیط اطراف کودک دیده می‌شوند. شاعران همواره از صاحبان آن مشاغل به نیکی یاد می‌کنند و علاوه بر آشنا کردن کودک و نوجوان با این مشاغل آنان را به همدلی و یاری با صاحبان آن‌ها در محیط‌های اجتماعی فرا می‌خوانند:
- «یاد دهقان که دانه می‌کارد/ دست پرکار مهربان دارد/ یاد او را عزیز می‌داریم/ هر زمانش به یاد می‌داریم» (دولت‌آبادی، ۱۳۷۷: ۲۱۸)
- یا این شعر که از زبان یک باغبان سروده شده:
- «در باغ هرچه دارم/ دارم برای مردم/ پاداش زحمت من/ مهر و صفای مردم» (کیانوش، ۱۳۷۰: ۱۲۱)
- دعوت به اتحاد و صلح:** این دسته از اشعار با سیکی کلیشه‌ای سروده شده‌اند و در اغلبشان نیز تعابیر تکراری و شعارگونه دیده می‌شود:
- «کودکان گونه‌گونه‌اند همه/ گه فقیرند و گاه داریند/ جملگی کودکان دل‌بندند/ که به رخسار عمر لب‌خندند/ کودکان نور دیدهٔ مایند/ همه چشم امید فردا/ بند/ شادمانیم زان که این همه را/ می‌دهد دست روزگار به ما/ تا بسازیم راه فردا را/ این فروزندگان دنیا را...» (دولت‌آبادی، ۱۳۷۷: ۲۶۳ و ۲۶۴)
- «یک تو یک من/ با همدیگر/ یک ما هستیم/ صد تو صد من/ تگ‌تک باشیم/ تنها هستیم» (کیانوش، ۱۳۷۰: ۱۰۸)
- «صلح زیباست، دوستی زیباست/ جنگ زشت است و دشمنی زشت است/ مهربانی، فروتنی، ادب است/ خوی اهریمنی، منی زشت است/ مردم از هر نژاد و از هر رنگ/ دلشان هرچه هست شکل هم است/ هرکسی اعتقاد و احساسش/ پیش دانا و دوست محترم است» (شعبانی، ۱۳۹۲: ۵۶ و ۵۷)
- همچنین گاهی در این گونه اشعار با تکنولوژی مبارزه می‌شود و دلیل نبودن صلح در جهان پیشرفت تکنولوژی معرفی می‌شود:
- «عصر ما عصر آدم آهنی است/ قلب‌ها مثل آهن سخت است/ عصر ما عصر رشد رایانه/ پرش ماهواره‌ها به فضا/ عصر تسخیر ماه با موشک/ عصر تحقیر خلق، خلق خدا/ آه ای آفتاب آگاهی/ دل ما را به مهر روشن کن/ این زمین را که گاهواره ماست/ از گزند و گناه ایمن کن» (همان: ۵۸ و ۵۹)
- انقلاب اسلامی:** بخشی از اشعاری که در این گروه هستند، ستایش رهبر انقلاب و کار بزرگ او، مرثیه برای رحلت ایشان، یاد شهدای انقلاب و یاد خوش روزهای انقلاب را در خود پرورانده‌اند.
- «پیری خداجو فریاد سر داد/ وز پیروانش برخاست فریاد/ در ماه بهمن خورشید تابید/ از خاک خون‌رنگ اسلام روید» (رحماندوست، ۱۳۶۳: ۴۵)
- «امسال ما در جشن آزادی/ یک غنچهٔ لب‌خند کم داریم/ آن پیرمرد مهربان رفته/ در قلبمان یک باغ کم داریم» (ابراهیمی، ۱۳۷۱: ۳)
- دسته‌ای دیگر از پیروزی انقلاب اسلامی و نتایج مثبت آن و شادی همگان از این اتفاق برای کودکان و نوجوانان می‌گوید:
- «روز خندهٔ ما بود/ روز گریهٔ دشمن» (رحماندوست، ۱۳۷۸: ۲۴)
- «روز آغاز روشنایی‌ها/ روز پایان ظلم و ناکامی/ روز فرخنده‌ای که شد پیروز/ انقلاب کبیر اسلامی» (ابراهیمی، ۱۳۷۵: ب: ۱۰)
- جنگ:** شاعران تصویری آرمانی و عرفانی از وجود شهیدان ارائه می‌کنند و پایداری میهن را از فداکاری آنان می‌دانند. تعداد این گونه از اشعار در سال‌های جنگ ایران و عراق بسیار زیاد بود، تا جایی که بعضی از شاعران کودک و نوجوان یک مجموعهٔ کامل را به این

موضوع اختصاص می‌دادند، برخی از آنان نیز از جمله جعفر ابراهیمی شاعر جنگ شناخته می‌شوند، اما رفته‌رفته تا دهه هشتاد شمسی تعداد این دسته از اشعار در مجموعه‌های شعر شاعران کودک و نوجوان کمتر شد.

«خورشید می‌تابد/ از لوله تفنگت/ روییده بوته نور/ از خون لاله رنگت» (رحماندوست، ۱۳۶۳: ۴۰)

«هرگز نمی‌میرد/ زیرا شهید است او/ فردای دنیا را/ نور امید است او» (همان: ۴۳)

«خوشبوتر از گل بود/ زیباتر از گلبرگ/ اما از اینجا رفت/ با کاروان مرگ» (همان)

شاعران ایرانی جنگ را مذموم نمی‌شمارند. اغلب از زبان کودک با پدر شهیدش حرف می‌زنند و کودک شعرهایشان اگرچه از نداشتن پدر ناراحت است، به پدرش افتخار می‌کند و شهادت او را مقدس می‌داند:

«نگاه بکن به آنجا/ بابام شده ستاره/ از آسمان می‌کند/ به‌سوی من اشاره/ کلاغ پر، گنجشک پر/ ستاره‌های شب پر/ نگاه بکن

به آنجا/ بابام شده کبوتر/ پر زده از این هوا/ به یک هوای بهتر/ نگاه بکن به اینجا/ این گل پرپر ماست/ گریه نمی‌کنم من/ بابام تو

آسمان هاست» (قاسم‌نیا، ۱۳۶۵: ۲۳)

در برخی اشعار نیز از آرزوهای کودکان برای حضور در جبهه می‌گویند و آنان را به فعالیت در پشت جبهه تشویق می‌کنند، از طریق آوردن عناصر جنگ در زندگی او:

«هزار برگ خشک و زرد/ در آسمان رها شده/ دوباره آسمان پر از/ پر پرنده‌ها شده/ صدای زنگ مدرسه/ دوباره می‌رسد به گوش/

ببین که می‌کنم کمین/ دوباره توی سنگرم/ مدام می‌شود کنون/ به دست من تفنگ من/ رسیده باز این زمان/ دوباره وقت جنگ

من» (قاسم‌نیا، ۱۳۶۸: ۱۸)

«شهید پاک میهن/ حرف تو را شنیدم/ مثل پرنده‌ای شاد/ به‌سویت پر کشیدم/ به‌سویت آمدم تا/ راه تو را بیویم/ که گفته‌های حق

را/ تا زنده‌ام بگویم/ تا زنده‌ام بگویم: «تو پاک و ارزنده‌ای/ خوشا به حالت، شهید/ که تا ابد زنده‌ای!» (ابراهیمی، ۱۳۷۵ الف: ۹)

فقر: بخشی از این اشعار به کودکان کار توجه دارند و بخشی دیگر به ناراحتی کودکان از فقر خانواده و بیش از هرچیز شکایت از زندگی در خانه استیجاری:

«هر روز می‌گوید به من/ این خانه اصلاً مال ماست؟ آن ای خدای مهربان/ پس خانه بابا کجاست؟» (شعبانی، ۱۳۷۳: ۶)

«من و مادر کنار دار قالی/ همیشه روز و شب مشغول کاریم/ در این تنها اتاق خانه باید/ میان باغ قالی گل بکاریم/ ولی فرش اتاق

ما به‌جز یک/ گلیم کهنه چیز دیگری نیست/ تمام زحمت روز و شب ما/ خداوندا برای خانه کیست؟» (شعبان‌نژاد، ۱۳۶۹: ۱۳)

گاه نیز شکایت‌هایی بزرگسالانه از زبان کودک هستند، مثل:

«ماشین ما حالش خراب است/ هر روز عیبی تازه دارد/ دیگر کلافه کرده ما را/ چون خرج بی‌اندازه دارد» (رحماندوست، ۱۳۷۹: ۴۸)

شاعران متأخر گاه در لفافه از فقر می‌گویند، مثل این شعر که در آن کودک با ستاره‌ها لباس مادر را وصله می‌کند:

«برگشتم و شادمان نشستم/ در کنج حیاط خانه تنها/ با چند ستاره وصله کردم/ آهسته لباس مادرم را» (شعبان‌نژاد، ۱۳۷۲: ۲۰)

شاعران طوری حرف نمی‌زنند که کودکان اندوهگین شوند و احساساتشان جریحه‌دار شود؛ برای نمونه ناصر کشاورز در شعری از

بچه‌های محرومی می‌گوید که نزدیک ریل راه‌آهن زندگی می‌کنند. این شعر، در مجموع، غمبار نیست. آغاز شعر تشبیه قطار به مار

بوا در خیال کودکانی است که نزدیک ریل بازی می‌کنند و توصیف لذت بردن این کودکان از تماشای قطار. فقط در انتهای شعر از

فقر و حسرت این کودکان به این شکل سخن می‌گوید:

«او ایستاده خوشحال/ پهلوی پای باباش/ ای بچه خوش‌به‌حالت/ جای تو بودم ای کاش!» (کشاورز، ۱۳۸۱: ۱۲)

همچنین گاه با توصیف فقر، کودکان را دعوت به همیاری با کودکان کار و کودکان نیازمند می‌کنند:

«لحظه‌ای بعد تو بودی و دو چشم/ که به دنبال خودت می‌بردی/ پیش چشمان پر از غصه او/ بستنی دوقلو می‌خوردی»

(شعبان‌نژاد، ۱۳۷۰: ۱۴)

رابطهٔ کودک و نوجوان با گروه هم‌سالان خود (روابط دوستانه)

این اشعار توصیف دوستی و آشتی و شادی کودکان در یک محیط اجتماعی در کنار یکدیگر است:

«زینب، سمیه/محبوبه، زهرا/سوسن، سهیلا/با هم بخندیم/چون وقت بازیست/امروز از ما/خوشحال تر کیست؟/هرکس بگیرد/دست یکی را/با هم بسازیم/یک حلقه حالا/او شاد از من/من شاد از تو/دنیاست روشن/به به چه خوبست/این بازی ما/شادیم و خندان/ها ها ها، ها ها» (رحماندوست، ۱۳۶۷ ب: ۲۰)

شاعران نوجوان نیز اغلب به قهر و آشتی‌های این گروه سنی می‌پردازند؛ قهر و آشتی‌هایی که بسیار ساده و شیرین جلوه می‌کنند و همیشه در آخر شعر با لبخند یا شوخی از طرف یکی از دو نفر به سرعت فراموش می‌شوند:

«پایان قهر است/آغاز پیوند/دانی آن چیست؟/لبخند لبخند» (رحماندوست، ۱۳۶۷ الف: ۱۰)

همچنین در اشعار نوجوان از اهمیت حضور دوست بسیار گفته می‌شود. برخی از شاعران به خوبی دریافته‌اند که نوجوانی دوره‌ای است که گروه هم‌سالان ارزش بیشتری پیدا می‌کنند؛ بنابراین از این احساس نوجوان سخن می‌گویند:

«خدایا کمک کن به من/که یک دوست پیدا کنم/که توی دل صاف او/خودم را تماشا کنم» (کشاورز، ۱۳۸۴: ۱۶)

درون‌مایه‌های اجتماعی در آثار شاعران انگلیسی

فقر: شاعران انگلیسی هنگام نوشتن از این مضمون به جای توصیف این پدیده در اشعارشان بر فقر و بی‌پناهی کودکان و ضعف دستگاه‌های حاکم در حمایت از این کودکان بی‌گناه تأکید می‌کنند. رد پای این مضمون در آثار چارلز استنلی کازلی^۱ که اغلب از مضامین اجتماعی می‌گوید، به شکل‌های مختلف دیده می‌شود. کازلی همچنین اعتراض غیرمستقیمی نیز به مذهب دارد و آن را مقوله‌ای بی‌فایده در زندگی امروز می‌داند، چراکه نتوانسته کودک فقیر و بی‌پناه را از ستم‌های اجتماعی در امان دارد. تیموتی وینتر^۲ بهترین نمونه برای این نوع از شعرهای کازلی است. این شعر لحنی دلسوزانه دارد و در عین حال خشم شاعر از خدا و جامعه در آن آشکار است.

«مددکار اجتماعی دراز کشیده بود/بی‌آنکه خواب به چشمانش بیاید/اما قانون به اندازهٔ یک مار ده‌فوتی خوش‌خط‌وخال، حيله‌گر و مکار است/پس تیموتی وینترز فنجانش را سرکشید/و آهسته‌آهسته به بزرگ‌شدنش ادامه داد./در نیایش صبحگاهی برای خداوند/در میان کودکانی که کمتر از ما خوشبخت بودند/بلندترین صدا در مدرسه متعلق به زمانی بود/که تیموتی وینترز فریاد می‌کشید: آمین!» (کازلی، ۲۰۰۰: ۶۵-۶۶)

بنجامین زفنیآ^۳ نیز به همان شیوهٔ کازلی از فقر کودکان حرف می‌زند و انگشت اتهام را به سمت خانواده و حاکمیت می‌گیرد. شاعران انگلیسی در هنگام سرودن از این مضمون می‌کوشند، از حق کودکان دفاع کنند. برای نمونه شعر بچه‌های فاضلاب^۴ درباره کودکان بی‌خانمان، گدایان و دزدهایی است که در حومه‌های شهر، نامیدانه، زندگی می‌کنند. این شعر بر آن است که به کودکان و بزرگسالان بگوید این کودکان تبهکار ذات بدی ندارند و باید به ریشه‌هایی توجه کرد که باعث ظهور فقر در زندگی این کودکان شده است؛ در واقع او بار اصلی گناه را به گردن والدین و دیگر افراد بزرگسال جامعه می‌اندازد.

از بچه‌های فاضلاب بیرسید که چرا در فاضلاب زندگی می‌کنند و شما داستان‌های خوفناکی خواهید شنید/دربارهٔ بی‌عشقی/دربارهٔ ترشدگی/دربارهٔ سوءاستفاده/تنها گناه این کودکان آن است/که والدین بدی داشته‌اند» (زفنیآ، ۲۰۰۰: ۶۶ و ۶۷)

جنگ: کازلی در سرزمین خود با عنوان شاعر جنگ شناخته می‌شود. او وقتی از جنگ حرف می‌زند، گویی دقیقاً تجربیات

1. Causley, Charles Stanley (1917-2003)

2. Timothy Winters

3. Benjamin Zephaniah (1958)

4. Children of the Sewers

شخصی خود را بازگو می‌کند و از غم و اندوهی می‌گوید که جنگ برای او و دیگران به همراه داشته؛ برای مثال در شعری با نام «شهریازی تاویستوکا» با جزئیات آخرین خاطره‌های را توصیف می‌کند که قبل از کشته شدن پدرش از او به یاد دارد:

«روزی که پدر مرا به شهریازی برد/ دقیقاً روزی پیش از مرگ وی در جنگ نخست بود/ حالا من چهره پدرم را به سختی به یاد می‌آورم/ فقط برق پوتین چرمی ساق بلندش در یادم مانده/ فقط روزی را به یاد می‌آورم/ که در هوای زردفام اکتبر قدم می‌زدیم/ فقط شیوه قدم زدن و ایستادنش همچون یک سرباز در صف/ و فقط حس دستان آهنی او در دستانم را به یاد می‌آورم.» (کازلی، ۱۹۸۷: شهریازی تاویستوک)

راجر مک‌گاف^۲ شاعر دیگری است که با جرئت از زشتی‌های جنگ می‌گوید. شعر فسیل‌ها^۳ از دایناسور گوشت‌خواری صحبت می‌کند که ممکن است، کودکان آن را در کتاب‌ها یا تلویزیون دیده باشند. در پایان شعر او به صورت ناگهانی و بدون مقدمه‌چینی به کودکان می‌گوید که انسان‌ها خطرناک‌تر و دلهره‌آورتر از دایناسورها هستند:

«خوب! حالا اگر می‌خواهید مهیب‌ترین هیولا را ببینید/ تشنه به خون‌ترین آن‌ها را/ آنچه درباره دایناسورها گفته شد فراموش کنید/ و فقط تاریخ بشریت را بخوانید.» (مک‌گاف، ۱۹۹۷: ۹۵)

درواقع شاعر می‌خواهد در این اثر از بدی‌های جنگ برای خوانندگان کودک خود بگوید؛ او واقعیت تاریخ انسان را به آن‌ها نشان می‌دهد که هیچ‌وقت صلح و سازشی در آن نبوده است و به دلیل بسیاری از جنگ‌ها و خشونت‌ها تعداد زیادی از مردم بی‌گناه در این تاریخ به نسبت کوتاه (در مقایسه با تاریخ حیات دایناسورها) به کام مرگ رفته‌اند.

مک‌گاف شعر دیگری دارد، به نام خبرهای آخر شب^۴ که برای مخاطب نوجوان سروده شده و بسیار صریح است. این شعر از تمام بدی‌هایی صحبت می‌کند که در دنیای اطراف ما وجود دارد و به نوعی می‌تواند راهی بسیار عالی برای شناساندن دنیای واقعی با زبان شعر باشد:

«قتل‌عام بی‌گناهان/ بی‌فایدگی جنگ/ خیابان‌های خالی، صدای تفنگ‌ها/ جسد‌هایی که هنوز سرد نشده‌اند/ قتل، شکنجه، تجاوز جنسی/ هنگامی که ما صدای رگبار تفنگ‌ها را می‌شنویم...» (همان: ۶۶ و ۶۷)

شاعران انگلیسی‌گانه هنگام صحبت از جنگ برای کودکان، علاوه بر استفاده از عناصر ملموس برای آنان، از طنز نیز استفاده می‌کنند. اشعاری که این درون‌مایه را دارند، روایت‌های منظومی هستند که بسیار جدی و غمگین و حتی ترسناک به نظر می‌رسند، ولی با بارقه‌هایی از طنز آمیخته و شیرین می‌شوند. آ.آ. میلن (آلن الکساندر میلن)^۵ در شعر سر برایان بوتانی، مرد بد پیرمردی را نشان می‌دهد که در دوران جنگ مقامی داشته است، روزها لباس‌های جنگش مثل کلاهخود و تبریز و چکمه‌های جنگ را می‌پوشد و در روستا راه می‌رود و از جنگ و روزهای آن به نیکی یاد می‌کند. این حرکت او به مردم روستا آسیب می‌زند و آن‌ها را می‌ترساند. مردم روستا نیز شروع می‌کنند به آزار سر برایان. در نهایت او تصمیم می‌گیرد لباس‌های جنگی‌اش را نابود کند و حتی لقبش را هم بردارد:

«من سر برایانم؟ اوه نه! من سر برایانم؟ اوه نه! من هیچ‌وقت لقبی نداشتم/ من بوتانی‌ام/ آقای بوتانی ساده.» (میلن، ۱۹۲۴: ۹۲)

هدف اجتماعی این شعر مذموم دانستن جنگ است، حتی تفکر آن نیز باید از ذهن انسان‌ها پاک شود.

اعتراض به طلاق و سنت‌های کلیشه‌ای ازدواج: شاعران انگلیسی که این مضامین را به کار گرفته‌اند، اغلب زن هستند، از جمله

1. Tavistock Goose Fair
2. Roger McGough (1937)
3. Fossils
4. Late-Night News
5. Alan Alexander "A. A." Miln (1882-1956)
6. Bad Sir Brian Botany

کارول آن دافی^۱ و جکی کی^۲ که اشعار مشهوری با این درون‌مایه دارند. دافی در بیشتر اشعارش به سنت ازدواج معترض است و از نقش مردان در ازدواج انتقاد می‌کند و پیوسته از این موضوع می‌گوید که ازدواج چگونه زنان را اسیر می‌کند. در واقع نوعی تردید درباره ازدواج در اشعار کودک و نوجوان کارول آن دافی به اشکال مختلف دیده می‌شود. برای نمونه در شعری با عنوان پیمان‌ها^۳ از نتیجه‌گیری‌های غیرمانتیک یک زوج حرف می‌زند:

«من با یک دوک ازدواج نمی‌کنم که مانند اردک راه می‌رود/ من با یک شوالیه ازدواج نمی‌کنم که مانند یک حشره می‌پرد...»
(دافی، ۲۰۰۹: ۴۷)

سرانجام این زوج، بعد از شمردن بیست مورد، تصمیم می‌گیرند که با هم ازدواج کنند.

در شعر دیگری با نام یک شاهزاده^۴، شاهزاده خانمی که برخلاف داستان‌ها و سنت‌های مرسوم دختری خشن است، تصمیم می‌گیرد مسیری سخت را که نمادی از مسیر زندگی است به‌تنهایی بپیماید، ولی در نهایت با اینکه از سختی‌های بسیاری عبور می‌کند، درمی‌یابد که باید به آغوش شاهزاده جوان برگردد و همسر او شود تا جانش در امان باشد. این شعر نشان از گرایش‌های فمینیستی دافی و اعتراض به عدم استقلال زنان دارد:

«آه! شاهزاده بد برگشت و دوید/ برای زندگی خود دوید/ در آغوش شاهزاده جوان/ و همسر او شد.» (همان: ۴۵)

جکی کی از معضلات اجتماعی که به زندگی و رشد طبیعی کودکان آسیب می‌زند، از زبان خود آن‌ها سخن می‌گوید، معضلاتی مثل اعتیاد و بی‌خانمانی و فقر پدر و مادر، نژادپرستی و ... بهترین نمونه برای این نوع اشعار شعری است به نام طلاق^۵؛ با دیدن نام شعر انتظار داریم با شعری درمورد اندوه کودکان از طلاق والدین روبه‌رو باشیم، اما به‌زودی روشن می‌شود که داستان درباره کودکی است که دوست دارد از پدر و مادرش طلاق بگیرد. در این شعر ناراضی‌های او و آسیب‌های عمیق کودکی پنهان است که پدر و مادرش گرفتار ناهنجاری‌های اجتماعی مثل اعتیاد به الکل شده‌اند. نگرش این کودک درمورد والدینش و چنین آرزویی غیرمعتاد است و نشان می‌دهد که وی تا چه حد از آنان ناامید است.

«هرگز به شما قول نمی‌دهم/ تا زمانی که مرگ بین ما جدایی بیندازد با شما بمانم، یا چیزی شبیه به آن/ بنابراین باید جدا شوم، به‌سرعت/ چیزهایی هست که نمی‌توانم تحملشان کنم/ مادر شما هرگز یک کلمه محبت‌آمیز گفته‌ای؟/ یا یک سیاس برای تمام کارهای خسته‌کننده‌ای که من انجام داده‌ام/ پدر نفس تو بویی شبیه زندگی دارد و با آن کوک می‌شوم/ ولی آنچه تو همیشه می‌گویی این است: «آیا شما مست مشروب خامه‌ای شدید، بانو ماک؟»/ در این سن و سال؟/ بهتر خواهد بود که در یک یتیم‌خانه مست شوم/ من طلاق می‌خواهم/ پدر و مادری در این جهان هستند/ که چهره‌شان به سمت بالا و به‌سوی نور متمایل است/ پدر و مادری که به‌نرمی رودخانه حرف می‌زنند/ و هرگز فریاد بر نمی‌آورند/ پدر و مادری که گونه فرزندانشان را نوازش می‌کنند/ و در تاریکی شب/ با صداهای رنگین‌رنگین کمان، برای آن‌ها ترانه می‌خوانند/ از قرمز تا آبی/ این پدر و مادر شما نیستید/ من هرگز شما را انتخاب نکردم/ شما خشن و وحشی هستید/ من نمی‌خواهم فرزند شما باشم/ تنها کاری که شما بلدید، فریاد کشیدن است/ و این درست نیست/ من با اولین تابش آفتاب فردا تقاضای طلاق می‌دهم.» (جکی کی، ۲۰۰۷: ۲۱۰)

مبارزه با نژادپرستی: در دهه ۱۹۸۰ نویسندگان سیاه‌پوست با ریشه‌های کارائیبی که یا در انگلستان به دنیا آمده یا کسانی بودند که پس از جنگ در کشورشان مجبور به مهاجرت به بریتانیا شده بودند، روندی نو را در شعر کودک آغاز کردند. این گروه شاعران در میان کودکان و نوجوانان طرفداران بسیاری پیدا کردند و کم‌کم بخش مهمی از پیکره ادبیات کودک و نوجوان انگلستان شدند. درون‌مایه

1. Carol Ann Duffy (1955)

2. Jackie Kay (1961)

3. Vows

4. A bad princess

5. Divorce

اشعار آن‌ها اغلب اجتماعی است، چراکه پس از مهاجرت به انگلستان با تبعیض‌های نژادی مواجه شدند. اشعار آن‌ها با فرهنگ و موسیقی سرزمینشان پیوند خورده و سرشار از ریتم، شوخ طبعی و نشاط است. بسیاری از شاعران کودک برجسته سیاه‌پوست انگلیسی نوشتن به انگلیسی استاندارد را انتخاب کرده‌اند، اما از ضرب‌المثل‌ها و نیز گاه لهجه کارائیبی در آثارشان استفاده می‌کنند.

«از آنجایی که نوجوانان اغلب به موسیقی عامه‌پسند علاقه‌مند هستند و علاقه‌مندی چندانی به شعر ندارند، شعر کارائیب می‌تواند در پیش بردن هر دو رشته با هم مورد استفاده قرار بگیرد. ترویج شعر کارائیب در مدارس یک پدیده کوچک اما مهم در ده سال گذشته بوده است.» (استایلز، ۱۹۹۸: ۲۸۴)

از جمله مشهورترین این شاعران جان اگارد^۱ است. برای مثال در شعری از او با عنوان تولدت مبارک دیلوری^۲ کودکی به نام دیلوری از مادرش می‌پرسد که چرا رنگ پوست پسر کوچک روی کارت تولدش مانند او سیاه نیست:

«کارت تولدم به من می‌گوید: تولدت مبارک دیلوری! اما ماما چرا آن‌ها عکس پسرچه‌ای را روی کارت گذاشته‌اند که خیلی کم به من شباهت دارد؟ چرا صورت این پسرک آن قدر سفید است؟» (اگارد، ۱۹۸۳: ۱۴۵)

نمونه خوب دیگر از این دست اشعار جان اگارد شعر مشهور دوره‌گه^۳ است. زاویه دید در این شعر جالب است. درواقع شاعر از زبان مخاطب با یک فرد دوره‌گه صحبت می‌کند، اما اگر خواننده نداند که خود شاعر نیز سیاه‌پوست است، تصور می‌کند شاعر با فردی دوره‌گه مشغول گفتگو است. لحن اگارد نیز در این شعر کنایه‌آمیز است و به نوعی می‌گوید که انگلستان از دوره‌گه‌ها تشکیل شده است، پس جای اعتراض و توهینی وجود ندارد:

«خودت را معرفی کن/منظورت چیست/زمانی که می‌گویی دوره‌گه‌ای؟/منظورت این است که نور و تاریکی/در آسمان با هم در می‌آمیزند؟/منظورت یک آب و هوای دوره‌گه است؟/و البته آب و هوای انگلستان تقریباً همیشه دوره‌گه است/درواقع برخی از این دوره‌گه‌ها ابرند/تا زمانی که سایه می‌افکنند...» (اگارد، ۱۹۹۶: ۱۶۵)

همچنین او از مسائلی سخن می‌گوید که هم‌نژادانش مدت‌ها با آن درگیر بوده و هنوز هم هستند؛ مسائلی مثل برده‌داری که اغلب شاعران کودک و نوجوان کمتر به آن پرداخته‌اند، اما او با لحنی که چندان جدی به‌نظر نمی‌رسد، به سراغ این مباحث می‌رود؛ برای مثال در شعری با عنوان رقصندگان برزخی^۴ چنین می‌گوید:

«وقتی رقصنده برزخی می‌پایش را نشان داد/که با حافظه زنجیره‌ها آسیب دیده بود/دلیلی برای آن زخم‌ها نداشت/پس رقصنده برزخی به عقب خم شد و دوباره رقصید.» (همان)

درست مثل اگارد، زفینیا نیز درباره نژادپرستی صحبت می‌کند و برای مخاطب خود که ممکن است سیاه‌پوستان را آزار دهد یا آن‌ها را نژاد پرست‌تر بداند، توصیف می‌کند که داشتن رنگ پوست متفاوتی چه حسی دارد. او در شعر بسیار مشهور پیاده‌روی به سمت خانه سیاه^۵ چنین می‌گوید:

«اما من نمی‌خواهم سیاه‌پوست باشم/گاهی اوقات سخت است تاکسی گرفتن/درحالی که سیاه هستی.» (به نقل از پتن، ۱۹۹۹: ۹۰)

دعوت به اتحاد و صلح: شاعران انگلیسی، برخلاف شاعران ایرانی، کاملاً بدون کلیشه و به شکلی غیرمستقیم و در قالب اثری پر از تخیل و تصویرسازی‌های زیبای شاعرانه از این مفاهیم سخن می‌گویند. اگارد شعر مشهوری دارد با نام «معلم جغرافی چه پاسخی داد وقتی که از او پرسیده شد: چرا درس جغرافی را دوست داریم؟»^۶ که در آن از دوری انسان‌های جهان به‌خاطر مرزهای فرضی

1. John agard (1949)

2. Happy Birthday Dilroy

3. Half-Caste

4. Limbo Dances

5. Walking Black Home

6. What the Geography Teacher Said When Asked: What Er We Avin For Geography Miss?

شکایت می‌کند:

«امروز صبح/من برای جغرافیا انرژی زیادی داشتم/خیلی بیش از حد/من حوصله زیادی دارم/بنابراین بچه‌های کلاس فکر نمی‌کنند که گستاخ هستم/اما شما می‌توانید طول و عرض جغرافیایی را ببخشید/من به اندازه کافی از پوسته زمین داشتم/امروز می‌خواهم ابرها را لمس کنم/امروز می‌خواهم با صدای بلند آواز بخوانم و تمام نقشه‌ها را پاره کنم/من بسترهای رودخانه را قبول نمی‌کنم/من آسمان را می‌خواهم و نه چیزی کمتر/امروز توجه نکردم شرق به غرب تبدیل شده/امروز انرژی زیادی دارم/می‌توانم روی میز شنا کنم/امروز در جهان خواهم رقصید/با لباسی از رنگین‌کمان/و شما که در کلاس نشسته‌اید/خواهید دید که خطوط نقاشی من بال درمی‌آورد/همه حرف‌هایم واقعیت دارد/آه‌های بچه‌های کلاس! بعداً می‌بینمتان/اگر مدیر دنبال من بود/بگویند من یک میلیون درجه رؤیایی هستم/فراتر از خط استوا/یک میلیون درجه رؤیایی/فراتر از خط استوا...» (اگارد، ۱۹۹۶: بدون شماره صفحه)

آشنایی با مردم جهان و پیوند با فرهنگ‌های مختلف نیز یکی دیگر از دغدغه‌های شاعران انگلیسی است؛ برای مثال زفنیاء در شعری با عنوان همه به آن مشغولند! از رقص باستانی و سنتی حدود بیست کشور در نقاط مختلف جهان نام می‌برد و توصیفشان می‌کند. هدف او در اغلب اشعار مجموعه‌هایش این است که به کودک و نوجوان بیاموزد، همه مردم جهان با هم دوست و برابرند و اگرچه تفاوت‌های قومی و فرهنگی دارند، اما همه آن‌ها اهل سیاره زمین هستند.

«... از بغداد تا سانفرانسیسکو/هرکسی بر صحنه رقص/با ریتم‌های مبهم/رقص محلی انجام می‌دهد/جست‌وخیز ایرلندی‌ها با رقصیدن با جاز متفاوت است/اما همه می‌رقصند...» (زفنیاء، ۲۰۰۰: ۴۹)

ستایش سرزمین مادری: این درون‌مایه در میان شاعران کارائیبی دیده می‌شود که از سرزمین مادری خود سخن می‌گویند و در میان شاعران دیگر بسامد بالایی ندارد. در واقع همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، اغلب شاعران انگلیسی از جهان‌وطنی سخن می‌گویند. از جمله مهم‌ترین این دسته از اشعار سروده‌های زفنیاست که بارها و بارها از سرزمین مادری خود سخن گفته و کوشیده آن سرزمین را به‌زیبایی به کودکان انگلیسی بشناسد.

برخی از شعرها ریشه‌های جامائیکایی زفنیاء و تجربیات و تاریخ او را با یکدیگر می‌آمیزد. او در برخی از اشعار خود تلاش می‌کند با معرفی چهره‌های مشهور و هنرمند سرزمین خود در قالب شعرهای روایی چهره‌ای منفی را که در ذهن اغلب مردم غرب از سرزمین‌های آفریقایی به وجود آمده است، عوض کند؛ مثل شعر دوست همه^۲؛ این شعر درباره باب مارلی^۳ خواننده مشهور زاده جامائیکاست که هم ترانه‌سرا و هم موسیقی‌دان بود. در این شعر هر شخصی می‌خواهد با همکاری با وی در شهرت او شریک شود. شعر فهرست تمام مردمی است که به‌صورت خصوصی مارلی را می‌شناسند و می‌دانند که زفنیاء نیز از افراد خانواده او است:

«تمام ورزشکاران/تمام رانندگان/تمام کارگران/تمام پیکرتراشان/تمام دندان‌پزشکان/تمام خیاطان/تمام خلبانان و تمام دریانوردان/هر دامپزشک و هر نانوا/هر شخصی در جامائیکا/شخصیت برادر را می‌شناسد/همه باب مارلی را می‌شناسند...» (همان: ۳۱-۳۲)

همچنین در این شعر از زیبایی‌های طبیعی و مهربانی و صلح‌دوستی مردم سرزمینش برای کودکان انگلیسی می‌گوید:

«در تمام سرزمین جامائیکا/والدین من همیشه می‌گویند/آب نارگلت را بنوش/آب کوهستان‌هایت را بنوش/تو باید بسیار بنوشی...» (همان: ۸۱)

مهاجرت: این درون‌مایه نیز در میان شاعران کارائیبی رواج دارد. آن‌ها از غم مهاجرت می‌گویند و برای سرزمین خود دلتنگند و به

1. Everybody Is Doing It
2. Everyone's Friend
3. Bob Marley (1945-1981)

کودکان یادآوری می‌کنند که قدر آرامش و صلحی را که در کشورشان برقرار است، بدانند. شعر ما آوارگان^۱ نمونه خوبی برای این دسته از اشعار است. این شعر از سختی‌هایی می‌گوید که مردم را وادار به ترک زادگاهشان می‌کند، سختی‌هایی مثل ترس از کشته شدن.

شاعر زادگاهش را به صورت یک مکان آفتابی و ماسه‌ای توصیف می‌کند، جایی که توریست‌ها برای برنزه کردن پوستشان به آنجا می‌روند و نیز جایی که دختران نمی‌توانند به مدرسه بروند. شعر ادامه پیدا می‌کند تا به حقایق تلخ‌تری درباره مهاجرت می‌رسد: «من از یک مکان پر موسیقی می‌آیم/جایی که برای ترانه‌هایم به من شلیک می‌کنند/و برادرم شکنجه می‌شود/به من می‌گویند اکنون کشوری ندارم/به من می‌گویند حقیقت ندارم/به من می‌گویند کتاب‌های تاریخ مدرن احتمالاً نام مرا فراموش می‌کنند.» (همان: ۷۴-۷۵)

او در اشعاری با این مضمون همواره زادگاهش را مثل یک بهشت رؤیایی توصیف می‌کند، سپس دلایل دوری از این بهشت را بیان می‌کند.

این شاعران با صداقتی خشونت‌آمیز حرف می‌زنند، درحالی که هیچ صحنه دلهره‌آوری در اشعارشان نیست و در انتها نیز به مخاطب کودک و نوجوان خود می‌گویند که با تمام این اوصاف به این جهان و به کائنات اعتماد کن و به راحت ادامه بده.

مقایسه و تطبیق درون‌مایه‌های مشترک بین دو گروه

بعد از درون‌مایه‌های طبیعت‌گرایانه بیشترین بسامد در هر دو گروه مربوط به درون‌مایه‌های اجتماعی است. از ۱۴۱۱ شعر شاعران ایرانی، ۱۷۵ شعر معادل ۱۲٪ و از ۱۱۱۷ شعر شاعران انگلیسی ۲۴۴ شعر معادل ۲۲٪ مربوط به درون‌مایه‌های اجتماعی است.



درصد فراوانی درون‌مایه‌های اجتماعی در آثار شاعران ایرانی



درصد فراوانی درون‌مایه‌های اجتماعی در آثار شاعران انگلیسی

همان‌طور که از نمودارها پیداست، شاعران انگلیسی ده درصد بیشتر به مسائل اجتماعی پرداخته‌اند، اما به‌جز کمیت در کیفیت چگونگی پرداختن به درون‌مایه‌ها نیز جای سخن بسیار است. در ادامه به مقایسه و تطبیق هرکدام از گروه‌های مشخص‌شده از درون‌مایه‌ها می‌پردازیم:

دعوت به صلح و اتحاد مردم جهان: شاعران دو گروه به صورت‌های متفاوت به این درون‌مایه پرداخته‌اند؛ دعوت به صلح در بسیاری از آثار از شاعران ایرانی دیده می‌شود، ولی در پرورش لطیف این مضمون چندان موفق نبوده‌اند، تا جایی که به جرئت می‌توانیم ادعا کنیم تمام این اشعار شکلی شعارگونه پیدا کرده‌اند. چنانکه دیدیم شاعران انگلیسی این مفاهیم را در بستری ادبی و به شکلی غیرمستقیم و زیبا بیان کرده و از جنبه هنری متن غافل نشده‌اند.

فقر: شاعران هر دو گروه به این موضوع توجه کرده‌اند. شاعران ایرانی بیشتر به کودکان کار پرداخته و از دردهای آنان سخن گفته‌اند و درواقع فقط به توصیف فقر کودکان و زندگی آن‌ها در خانه‌های استیجاری پرداخته‌اند، اینکه لباس عید ندارند و حسرت

کودکان دیگر را می‌خورند. شیوه بیان این شاعران به شکلی است که انگار می‌خواهند به مخاطبان خود بگویند، فقر حقیقتی است که اگر رخ داد، باید پذیرفت، اما شاعران انگلیسی در مقابل به‌جای توصیف صرف این معضلات اجتماعی به بیان دلیل پیدایش آن‌ها پرداخته و از حق کودکان دفاع کرده‌اند. آن‌ها انگشت اتهام را مستقیم به سمت پدر و مادر، حاکمیت و حتی مذهب و خدا گرفته‌اند. **جنگ:** هر دو گروه شاعران به این مقوله اجتماعی پرداخته‌اند، با این تفاوت که شاعران ایرانی اگرچه از بدی‌های جنگ و عواقب آن در زندگی مردم به‌خصوص کودکان گفته‌اند، اما همچنان جنگ و شهادت را مقدس دانسته‌اند. شاعران انگلیسی جنگ را نهی و سرکوب می‌کنند و به هیچ‌وجه در هیچ شعری جنبه‌ای مقدس به آن نداده‌اند. این شاعران بی‌شک قصد دارند، اندیشه جنگ را از ذهن نسل آینده پاک کنند.

میهن‌پرستی و ستایش سرزمین مادری: میهن‌پرستی نیز از مضامینی است که هر دو گروه به آن پرداخته‌اند، اما در بین شاعران انگلیسی فقط شاعران کارائیبی از آن سخن گفته و در واقع سرزمین مادری خود را ستایش کرده‌اند. این شاعران علاوه بر ستایش طبیعت سرزمینشان از نیکی مردم آن سرزمین نیز سخن گفته‌اند.

نتیجه‌گیری

شاعران انگلیسی ۱۰٪ بیشتر از ایرانی‌ها به مسائل اجتماعی پرداخته‌اند. همچنین در اوایل دهه شصت در ایران به دلیل بروز جنگ و نیز پیدایش جریان انقلاب اسلامی درون‌مایه‌های اجتماعی رشد بیشتری داشتند. هر دو گروه شاعران به مسئله جنگ پرداخته‌اند، چراکه هر دو کشور با آن مواجه شده‌اند، اما نوع نگاه و اندیشه شاعران دو کشور درباره جنگ متفاوت است: شاعران ایرانی جنگ را مقدس شمرده‌اند، حتی هنگامی که از سختی‌ها و عواقب فاجعه‌بار آن سخن می‌گویند، باز به جنبه قداست آن برمی‌گردند، ولی در شعر شاعران انگلیسی جنگ نه تنها تقدیس نمی‌شود، بلکه منفور و زشت جلوه می‌کند و حتی کسانی که هنوز به نیکی از روزگار جنگ یاد می‌کنند، از جامعه و بین مردم طرد می‌شوند. این نکته بسیار قابل تأمل است زیرا جنگ بد است و هرگز و به هیچ صورتی نباید در ذهن کودکی که آینده‌ساز یک سرزمین است، جنبه‌ای مقدس پیدا کند. به همین دلیل است که درون‌مایه صلح و همدلی و آشتی تمام مردم دنیا و تمام فرهنگ‌ها با هم در آثار شاعران انگلیسی به‌صورتی ملموس و لطیف و شاعرانه ارائه شده است ولی در شعرهای فارسی هنوز شکلی شعاری دارد و شعار بر اندیشه کودک مؤثر نخواهد بود. همچنین هنگام صحبت از معضلات اجتماعی شاعران ایرانی فقط به توصیف آن ناهنجاری در اجتماع می‌پردازند؛ به‌عنوان مثال درباره فقر فقط اعلام می‌کنند که فقر وجود دارد و به نوعی با این کار به مخاطب کودک و نوجوان خود می‌گویند که فقر پدیده‌ای اجتماعی است که دردناک است ولی باید آن را پذیرفت و گویا هرگز برطرف نخواهد شد؛ درحالی که می‌توان به کودکان آموخت شادی و ثروت حق تمامی کودکان و تمامی انسان‌هاست، پس این فقر اکتسابی است و تمام افراد جامعه در برابر آن مسئول‌اند؛ چنانکه شاعران انگلیسی همین رویه را در پیش گرفته‌اند و در هنگام صحبت از فقر به دلایل و ریشه‌های آن و نیز به بی‌توجهی نظام حاکم توجه می‌کنند، حتی در این مورد گاه خداوند را نیز زیر سؤال می‌برند. این نوع برخورد به مخاطب می‌فهماند که فقر و سایر مشکلات اجتماعی ابدی و ازلی نیستند و حتی کودکی که به او ظلم شده باید با روحیه‌ای جنگنده و قوی مبارزه و از حق خود دفاع کند. از روابط معلم و هم‌کلاسی‌ها و خوبی مدرسه فقط شاعران ایرانی به شکل مستقیم سخن گفته و دانش‌آموزان را به حضور در مدرسه تشویق کرده‌اند و در میان اشعار بررسی شده از شاعران انگلیسی این درون‌مایه دیده نمی‌شود؛ البته در برخی اشعار شاعران انگلیسی مکان شعر کلاس درس است و معلم و هم‌کلاسی‌ها نیز حضور دارند، اما درون‌مایه اصلی اشعار چیز دیگری است. همچنین اشعاری که در این گروه جای دارند و از روابط کودک با مدرسه و معلم می‌گویند اغلب در اشعار فارسی آرمانی و با تفکری بزرگسالانه بیان شده‌اند. احساس بزرگسالان درباره مدرسه با احساسات کودکان متفاوت است. در شعرهایی که در این زمینه برای کودکان سروده می‌شود، به‌جای آنکه احساس‌های کودکان مطرح شود نگاه بزرگسالان غالب است؛ مدرسه بهترین جای دنیا معرفی می‌شود و کودک و نوجوان نیز همیشه از حضور در آنجا راضی است و هرگز به فکر دوری از محیط نمی‌افتد، اما آیا اگر از زاویه دید یک کودک بنگریم مدرسه همیشه و در تمام لحظات چنین

است؟ آیا امکان ندارد کودکی از درس و مشق خسته شود؟ آیا کودک و نوجوان در مدرسه بازگوشی نمی‌کنند؟ کودک و نوجوان و به‌خصوص کودکی که برای اولین بار از پدر و مادر جدا می‌شود، نسبت به مدرسه که باعث دوری او از مادر و پدر می‌شود، چه نگرانی‌ها و احساساتی دارد؟ در گروه درون‌مایه‌های اجتماعی در اشعار شاعران انگلیسی مواردی مثل نگاهی جدید به سنت ازدواج، مبارزه با نژادپرستی و آشنایی و آشتی با تمام مردم جهان دیده می‌شود که در اشعار شاعران ایرانی حضور ندارد؛ این‌ها درون‌مایه‌هایی مدرن هستند که کودک امروز از طریق اخبار و روزنامه‌ها و دیگر رسانه‌ها با آن‌ها روبه‌رو است. در مجموع شاعران انگلیسی در پرداختن به این درون‌مایه موفق‌تر بوده‌اند، چراکه شیوه غیرمستقیم را برگزیده و از جنبه‌های هنری و ادبی آثار نیز غافل نبوده‌اند. از کلیشه‌گویی اجتناب کرده و عنصر واقع‌بینی را نیز از یاد نبرده‌اند.

منابع

- ابراهیمی، جعفر. (۱۳۶۵). *غنچه‌های شعر*. تهران: امیرکبیر، کتاب‌های شکوفه.
- (۱۳۶۸). *باغ سبز شعرها*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- (۱۳۷۱). *بوی گنجشک*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- (۱۳۷۵ الف). *ای ایران*. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- (۱۳۷۵ ب). *گل‌های خنده*. تهران: حوزه هنری و سازمان تبلیغات اسلامی.
- (۱۳۷۲). *آب مثل سلام*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- انوشیروانی، علیرضا. (۱۳۸۹). «*ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران*». *ادبیات تطبیقی (ویژه‌نامه فرهنگستان)*، ش ۱.
- دولت‌آبادی، پروین. (۱۳۷۷). *بر قایق ابرها*. تهران: رهگشا.
- رحماندوست، مصطفی. (۱۳۶۳). *چشمه نور*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- (۱۳۶۷ الف). *پشت این پنجره‌ها*. تهران: مدرسه.
- (۱۳۶۷ ب). *زیباتر از بهار*. تهران: مؤسسه فرهنگی برهان.
- (۱۳۷۸). *بابا آمد نان آورد*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- (۱۳۷۹). *گل لیخند و سلام*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- سیدی، سیدحسین. (۱۳۹۰). «*درآمدی توصیفی-تحلیلی بر ماهیت و چیستی ادبیات تطبیقی*». *فصلنامه نقد و ادبیات تطبیقی*، ش ۳.
- شرکت‌مقدم، صدیقه. (۱۳۸۸). «*مکتب‌های ادبیات تطبیقی*». *مطالعات ادبیات تطبیقی*، ش ۱۲.
- شعبانی، اسدالله. (۱۳۷۲). *آخرین پرنده آزاد*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- (۱۳۷۳). *ساز من ساز جیرجیرک من*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- (۱۳۹۲). *آواز توکا*. تهران: توکا.
- شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۶۹). *پونه‌ها و پروانه‌ها*. تهران: سروش.
- (۱۳۷۰). *یک کاسه شبنم*. تهران: مدرسه.
- (۱۳۷۲). *چتری از گلبرگ‌ها*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- قاسم‌نیا، شکوه. (۱۳۶۵). *کلاغ بر*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- (۱۳۶۸). *بوی بهار نارنج*. تهران: نهاد هنر و انقلاب.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۸۱). *گل‌های بابا به به چه زیبا*. تهران: زیتون.
- (۱۳۸۳). *مداد کوتاه*. تهران: شباویز.
- (۱۳۸۴). *رنگ‌های گمشده*. مشهد: به‌نشر، کتاب‌های پروانه.
- کیانوش، محمود. (۱۳۷۰). *باغ ستاره‌ها*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- یمینی‌شریف، عباس. (۱۳۴۵). *آوای نوگلان*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

- (۱۳۵۰). گل‌های گویا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- (۱۳۸۷). آواز سوسک. تهران: روش نو.
- Agard, John. (1983). *I Din do Nuttin*. London: Bodley Head.
 - (1996). *Get Back, Pimple*. London: Viking.
 - Causley, Charles. (2000). *Collected Poems for Children*. London: Macmillan.
 - (1987). *Jack the Treacle Eater*. London: Macmillan.
 - Duffy, Carol Ann. (2009). *New and collected poems*. London: Faber and Faber.
 - Kay, Jackie. (2007). *Darling (new and selected poems)*. London: Bloodaxe Books.
 - McGough, Roger. (1997). *Bad Bad Cats*. London: Puffin Books.
 - Milne, A.A. (1924). *When we were very young*. USA: Dutton Children's Books.
 - Patten, Brian. (1999). *The Puffin Book of Utterly Brilliant Poetry*. London: Puffin Books.
 - Styles, Morag. (1998). *From the garden to the street*. London: Cassell.
 - Zephaniah, Benjamin. (2000). *Wicked World*. London: Puffin Books.

پژوهش در ادبیات کودک و نوجوان